

عبارت بودند از «۱- نماینده دادستان کل کشور. ۲- نماینده شورای عالی قضایی. ۳- نماینده وزارت کشور. ۴- دو نماینده به انتخاب مجلس شورای اسلامی.» اما در قانون سال ۹۴، فقط موارد «۴ و ۱،۲» باقی ماندند. معاون سیاسی وزیر کشور جایگزین نماینده وزیر کشور شد و همچنین دوفر دیگر هم به این ترکیب اضافه شدند که عبارتند از: «یک نماینده از میان دبیران کل احزاب ملی و یک نماینده از میان دبیران کل احزاب استانی دارای پروانه فعالیت بدون حق رأی.»

یکی دیگر از مواردی که به قانون احزاب در سال ۹۴ اضافه شد، مربوط به ماده ۱۶ بود. در تبصره یک این ماده وظیفه‌ای برای دولت در موضوع مالی قرار داده شد و آمده است: «دولت در راستای کمک به احزاب هرساله ردیف بودجه‌ای را در بودجه سالانه پیش‌بینی می‌نماید.»

▼ قانون سوم

سال ۱۴۰۱ بود که خبری منتشر شد مبنی بر اینکه نماینده‌های مجلس یازدهم طرحی را آماده کرده‌اند که براساس آن قانون جدید احزاب در ۵۰ ماده تدوین شده است؛ طرحی که به‌صحن علنی نیامد و مشخص نشد سرانجام آن به کجا رسید. حالا پس از ۳ سال، معاون سیاسی وزیر کشور خبر از بازنگری در قانون احزاب را داده است. این خبر در حالی منتشر شده که جزئیات دقیقی از موارد اصلاحی و موارد جدید اضافه شده به قانون اعلام نشده است. البته در درجه اول نکته امیدوارکننده این است که این اصلاحات و تغییرات احتمالی قرار است به‌صورت لایحه درآمده و توسط دولت به مجلس فرستاده شود، طبیعتاً اگر قرار بر این بود که مجلس در این ارتباط طرح بدهد، با ترکیب فعلی که در بهارستان وجود دارد و جولانی که تدرروها در مجلس می دهند، نگرانی‌ها دربارۀ بسته‌تر شدن فعالیت احزاب و اعمال قانون‌ها برای محدود کردن بیشتر فعالیت حزبی، ایجاد می‌شد. البته اینکه مجلس با لایحه ارائه شده توسط دولت چه بر خوردی خواهد کرد هم داستان دیگری است.

به هر ترتیب، از آنچه که معاون سیاسی وزیر کشور گفته که «فعالیت احزاب با قانون انتخابات پیوندی عمیق تر پیدا کند» می توان برداشت کرد که مهم‌ترین محوری که قرار است به قانون احزاب اضافه شود، بحث تناسبی شدن انتخابات است؛ موضوعی که البته در دوره ریاست جمهوری سیدابراهیم رییسی ومجلس یازدهم هم مطرح بود اما به سرانجام نرسید. ولی به هر حال گام اول در این مسیر برداشته شده و قرار است که انتخابات شورای شهر در سال ۱۴۰۵ و در شهر تهران، به صورت تناسبی برگزار شود؛ موضوعی که به نوعی مانور آزمایشی برای برگزاری انتخابات مجلس سیزدهم به صورت تناسبی خواهد بود. اما به غیر از قطعی بودن اضافه شدن بحث انتخابات تناسبی، ابهام‌هایی دربارۀ قانون جدید وجود دارد که به دو مورد می توان اشاره کرد. اول اینکه مشخص نیست وزارت کشور چه تصمیمی درباره احزاب کم کار و بعضاً بی‌کار ثبت‌شده خواهد گرفت و آیا قرار است نگاه‌ها به احزاب و گروه‌هایی که فعالیت دائمی دارند با احزابی که خودشان را در حاشیه قرار داده‌اند یکسان باشد؟ به عبارت دیگر، آیا قرار است این روند تویلد دائمی احزاب در ایران ادامه داشته باشد و یا اینکه بالاخره سازوکاری تعیین خواهد شد که این روند نظم پیدا کرده و شاهد وجود احزاب تعطیل و نیمه‌تعطیلی نباشیم که زمان انتخابات فعال شده و شروع به سهم‌خواهی کنند.

نکته بعدی که مشخص نیست درباره آن فکری شده و یا همان ماجرای قبلی ادامه خواهد داشت، این موضوع است که آیا محدودیت‌هایی که برای عضویت در احزاب، قرار داده شده بود همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند، آن محدودیت‌ها کم می‌شودو یا اینکه دایره عضویت در احزاب را تنگ‌تر از چیزی که هست، خواهند کرد؛ موضوعی که توجه به آن در بحث افزایش موارد «التزام» هم قابل اشاره است. به بیان دیگر، آیا قانون جدید هم همچنان برای فعالیت حزبی افراد التزام‌های جدیدی را شرط قرار خواهد داد و یا قرار است که به تفکر آزاد و به‌خصوص متنفدان احترام گذاشته‌شده و فضای سیاسی کشور به سمت وسوی آزادی‌تری حرکت کند که از دل آن فضای تفندهای کلان هم فراهم شده و فردی از نقد مصون نباشد.

ارکان احزاب، یکی دیگر از علل تکراری بودن و بی‌ریشگی فعالیت‌هاست. چرا همه احزاب باید شورای مرکزی، دبیرکل و مجمع عمومی به یک شکل داشته باشند؟ چرا نباید احزابی با ساختار شبکه‌ای، منطقه‌ای یا موضوعی تأسیس شوند؟ تنوع ساختار، نشانه‌ی بلوغ سیاسی است، نه تهیدید.

وقتی همه احزاب به اجبار در قالبی ثابت ریخته می شوند و اعضای برگزیده‌شان نیز نیازمند تأیید امنیتی اند، نتیجه‌ی نهایی‌سی حزبی است که به جای تولید سیاست، تنها در راهروهای مجلس یا وزارتخانه‌ها نقش لابی گر دارد.

▼ نتیجه: بازگشت اعتماد از مسیر اصلاح قانون

اصلاح چند ماده از قانون احزاب – به‌ویژه مواد ۲، ۶، ۱۰ و ۱۸ – دو درج صریح حق معرفی نامزد توسط احزاب دارای پروانه، می‌تواند ساختار سیاست ایران را از شخصی گرایی به نهادمندی بازگردانند. احزاب باید بتوانند نه‌تنها در گفت‌وگوهای سیاسی، بلکه در رقابت انتخاباتی طرف اصلی باشند.

تا زمانی که وزارت کشور در جایگاه قیم و شورای نگهبان در مقام داور نهایی افراد عمل کنند، سیاست ایران حزبی نخواهد شد. اما اگر این دو نهاد به نقش‌های قانونی و محدود خویش بازگردند، آن‌گاه حزب از لابی به «کارخانه‌ی تربیت نیروی اجرایی ومدیران آینده» بدل خواهد شد؛ همان چیزی که برای ثبات و تداوم نظام ضروری است.

آیا محدودیت‌هایی که برای عضویت در احزاب، قرار داده شده بود همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند، آن محدودیت‌ها کم می‌شود و یا اینکه دایره عضویت در احزاب را تنگ‌تر از چیزی که هست، خواهند کرد؛ موضوعی که توجه به آن در بحث افزایش موارد «التزام» هم قابل اشاره است. به بیان دیگر، آیا قانون جدید هم همچنان برای فعالیت حزبی افراد التزام‌های جدیدی را شرط قرار خواهد داد

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نورآباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می‌تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۴/۷/۲۶ تا تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴۰۴/۸/۱۱

۱- تقاضای «حامد بحریان» فرزند «عزیز» نسبت به «سه دانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۲۲۶۶’۶۲ مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱» فرعی از «۲۶۲» اصلی واقع در بخش «۱۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سیفعلی»

۲- تقاضای «حامد بحریان» فرزند «عزیز» نسبت به «سه دانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۸۰۸۵’۶۴ مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱» فرعی از «۲۶۲» اصلی واقع در بخش «۱۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سیفعلی»

۳- تقاضای «حامد بحریان» فرزند «عزیز» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۴۲۷۹’۰۲ مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱» فرعی از «۲۶۲» اصلی واقع در بخش «۱۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سیفعلی»

۴- تقاضای «فضل اله کرمی کرم اله» فرزند «علی مراد» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۴۲۶۴’۴۴

یکشنبه ۱۱ آبان ۱۴۰۴
سال چهارم- شماره ۹۲۱
www.hammihanonline.ir

نگاه اصولگرا

قانون‌نویسی کافی نیست



امیررضا واعظ آشتیانی

عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه

برای پویایی در حوزه‌های مختلف، نیازمند تجدیدنظر در زمان‌های مقتضی هستیم. در این زمینه، قانون تجارت را می‌توان برای مثال مورد اشاره قرار داد. امروز با توجه به شرایطی که در اقتصاد جهان به وجود آمده است، کشورها قوانین خود را در این حوزه برای تسهیل امر تجارت مورد تجدیدنظر قرار می‌دهند. درباره قانون احزاب نیز همین موضوع صدق می‌کند. اگر جایی ما نیاز می‌بینیم که باید اصلاحات در این قانون صورت بگیرد و این اصلاحات منجر به پویایی و حرکت بیشتر می‌شود، باید برای آن اصلاحات اقدام کنیم.

اما نکته‌ای که درباره اصلاح قانون احزاب وجود دارد، موضوعی فراتر از بازنگری و تدوین قانون جدید است. در همین قانون فعلی احزاب، نشانه‌هایی از پویایی دیده می‌شود اما موضوعی که باید به آن اشاره کنم این است که احزاب سیاسی در ایران به نوعی «بی‌حالی» دچار شده‌اند و این خودمان هستیم که با تنبلی کردن روبه‌رو هستیم. قانون‌نویسی مربوط به فعالیت‌های احزاب است اما حقیقت امر این است که احزاب ما به سمت پویایی و تولید محتوا حرکت نمی‌کنند و این موضوع چیزی نیست که با قانون‌نویسی درست شود، بلکه باید احزاب از درون این موضوع را حل کنند و به سمت آن بروند.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران- اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شهری هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی	م الف: ۱۱۴۱
آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۱۳آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی	
برابررای شماره۱۴۰۳۶۸۴۰۴۰۴۰۴۰۴۰۴۰۴۰۴۰۴ مورخ۱۴۰۳/۸/۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهری تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای احمد نعمتی به شناسنامه شماره۱۳۰ کدملی ۰۴۹۱۹۷۴۹۳ صادره از ری فرزند ماشاءاله در۴/۲/۱۰ سهم مشاع از ۱۰ سهم شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احدثانی به مساحت ۵۲۳/۶۶ مترمربع پلاک شماره۱۵۲۹ اصلی واقع در تهران بخش حوزه ثبت ملک شهری خریداری بموجب (قولنامه عادی) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در د نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۴/۷/۲۶ تا تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴۰۴/۸/۱۱	

سید مهدی لامعی - رئیس ثبت اسناد و املاک شهری

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان نورآباد-سری(۳۲۳) جمعی

مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲» فرعی از «۲۶۶» اصلی واقع در بخش «۱۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «کاظم صفی پور زمانه»

۵- تقاضای «محمد قلی خاصیان سرابی» فرزند «براحاص» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۴۶۶۳’۳۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱» فرعی از «۲۷۲» اصلی واقع در بخش «۱۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «براحاص خاصیان سرابی»
۶- تقاضای «محمد قلی خاصیان سرابی» فرزند «براحاص» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۲۷۷۶’۰۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱» فرعی از «۲۷۲» اصلی واقع در بخش «۱۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «براحاص خاصیان سرابی»
۷- تقاضای «محمد قلی خاصیان سرابی» فرزند «براحاص» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۹۵۳۴’۵۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱» فرعی از «۲۷۲» اصلی واقع در بخش «۱۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «براحاص خاصیان سرابی»
۸- تقاضای «محمد قلی خاصیان سرابی» فرزند «براحاص» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۲۷۸۶’۰۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱» فرعی از «۲۷۲» اصلی واقع در بخش «۱۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «براحاص خاصیان سرابی»
۹- تقاضای «محمد قلی خاصیان سرابی» فرزند «براحاص» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۳۵۳۸’۰۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱» فرعی از «۲۷۲» اصلی واقع در بخش «۱۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «براحاص خاصیان سرابی»
۱۰- تقاضای «محمد قلی خاصیان سرابی» فرزند «براحاص» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۷۶۷۷’۰۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱» فرعی از «۲۷۲» اصلی واقع در بخش «۱۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «براحاص خاصیان سرابی»
شماره نامه: ۱۱۴/۶/۱۴۰۴/۲۷۸۷ تاریخ: ۱۴۰۴/۰۸/۰۶

حسین خزایی- سرپرست اداره ثبت اسناد واملاک شهرستان نورآباد



نگاه اصلاح طلب/ ۲

سیاست داخلی در کما؟!



عباس موسایی

سخنگوی دفتر سیاسی حزب توسعه ملی ایران

اگر سیاست را به تأسی از ارسطو، «پیرامون امر عمومی»، معنا کنیم که در آن «شهروندان» برای وصول به «خبر و مصلحت عمومی» در تلاش و تکاپو بوده و تحولات فکری، اجتماعی، سیاسی ...، سپهر سیاسی در عصری که آن را عصر «دولت‌های ملی مدرن» نامیده و در چارچوب «ملت -دولت‌ها» ذیل رقابت و متأثر از اختلاف روایت شهروندان، شکل داده است، تشکل، سامان و سازمانی که گفتمان‌های رقیب را برای تصاحب قدرت مشروع (به تعبیر ماکس وبر)، حول هم گرد آورده، حزب نامیده می‌شود. بنابراین وجود حزب در عصر دولت ملی مدرن مستلزم به رسمیت شناختن شهروندی مدرن (citizenship) می‌باشد که در آن شهروندان آزاد و برابر، امکان تشکل‌یابی، رقابت و تشکییل دولت را به صورت مسالمت‌آمیز داشته و در روند انتخابات سالم و رقابتی، جریان پیروز، امکان پیشبرد اهداف و برنامه‌هایی که بر اساس آن‌ها رأی و نظر مساعدو اعتماد اکثریت شهروندان را جلب کرده است، داشته‌باشد. با این اوصاف، قبل از هر سخنی پیرامون سیاست، حزب، دولت ملی و هر مفهوم مدرن دیگر در کنکست و زمینه‌ی متفاوت از بستر مولد آن‌ها در مغرب زمین، از جمله خطه‌ی فرهنگی/سیاسی ما، می‌بایست تفاوت‌های بنیادینی که این مفاهیم در کشور ما با دیگر کشورها دارند را دریافت. از بدو ورود تفکر جدید به ایران و عبور از سلطنت مطلقه به سلطنت مشروطه و سایر رخدادها در ذیل آن تا استقرار نظام ساختار جمهوری اسلامی در ایران، تحولات و تطورات زیادی در این زمینه رخ نموده است. به‌رغم همه تفاوت‌ها، آنچه اما همچنان ثابت مانده است، عدم شکل‌گیری مفهوم شهروندی مدرن و به تبع آن فقدان تأسیس دولت ملی مدرن و برآمده از اراده شهروندان آزاد و برابر، حزب، مجلس ملی و... بوده است.

این سخن اما هرگز به معنای تصلب محض سیاست و توقف تام در گذشته نیست. کما اینکه میزان برتابیدن و به رسمیت شناختن مبانی شهروندی مدرن و به رسمیت شناختن حقوق شهروندی، رقابت و... در همه دوران‌ها به یک میزان نبوده است. با این تهמיד مقدمات اجمالی و با نگاه به آنچه بر وضعیت سیاست داخلی دولت چهاردهم مستولی شده است، می‌توان آن را از لابی‌ها کرد. سیاست داخلی دولت چهاردهم، فاقد مبنا و چارچوبی انسجام‌آور است. از این رونوع مواجهه با تحزب را نیز باید معطوف به همین مهم دریافت. برگزاری جلسات با احزاب و فعالین سیاسی و بیان مسائل به یک نحو و اتخاذ تصمیمات انفعالی از نوع دیگر، تناقض این رویکرد را نشان می‌دهد. هرچنددر عرصه ادبیات گفتاری متولیان سیاست داخلی نیز گفتاری اصلاحی و بهبودخواه و انسجام‌آور دیده نمی‌شود، در عرصه عمل نیز شاهد تن دادن به اراده مخالفان هستیم.

به نظر می‌رسد دولت بدون تغییر در سیاست داخلی و متولیان آن در سطوح مختلف و انتخاب و انتصاب سیاستمداران واجد جنم و صادق و وفادار به رأی ملت و گفتمانی که بر اساس آن رأی اکثریت را کسب کرد، نه‌تنها خود را به بن‌بست می‌کشاند، بلکه امید به اصلاح از درون را با چالش مواجه خواهد کرد و این برای کشور و ملت و نظام حکمرانی پیامد خطرناکی دارد. به‌عبارتی سیاستی که معاونت سیاسی وزارت کشور در حال انجام آن است، تفوق و تسلط سیاست وفائی استحاله‌ای، کشتن سیاست و پویایی امر سیاسی ملی و ناامیدسازی حداکثری است. با این اوصاف و مختصات، به نظر می‌رسد دولت اگر به خاطر آرایش مجلس و سایر موانع در انتخاب وزیر کشوری که نماد و تبلور اراده ملت و پیش‌برنده سیاست اصلاحی و مصالحه‌ملی باشد، ناکام است، هیچ پهنه‌ای در خصوص انتخاب معاون سیاسی مسلط، ملتزم به سیاست اصلاحی در تراز ملی، نمی‌تواند مسئولیت‌های دولتمردان در این حوزه را سلب کند.

بدون تغییر رویکرد از وفائی استحاله‌ای به وفائی ملی، با بازگردانی کارگزار ملی و مشرف به سیاست و وفادار به گفتمان برسرانزده دولت، سخن گفتن از تغییر قانون احزاب و انتخابات تناسبی و... نیز دردی از سیاست این مرز و بوم را دوا نخواهد کرد و صرفاً به تغییر نام برای یک نوع سیاست بسته و بی‌خاصیت، تبدیل خواهد شد. خارج شدن از اغمایی که سیاست در ایران کنونی بدان دچار شده است، تدابیر و تصمیمات روزآمد و بازیگری و بازگردانی در وسعتی فراتر از محدوده تنگ و بسته کنونی و شکستن هندسه تنگ‌فطرانه امروزین و گسترش و عمقی عمیق‌تر از وفائی ملی و البته شخصیت‌های مجرب و کارآزموده و با اراده‌ای معطوف به مطالبات ملی را طلب می‌کند. تغییر در سایر موارد، پس از گشایشی بزرگ به سمت سیاست اصلاح ملی و تقویت امید به اصلاح از درون ممکن است. سیاست‌گذاران وفائی استحاله‌ای و ناوفاداران به ایده اصلاح از درون هرگز نمی‌توانند منادی و متولی تغییر باشند؛ کثی‌ن‌ها را سیاست دگر لازم است!